



بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری در مهاجران افغانستانی مقیم ایران

پرویز مجیدی^۱، فریبا زرانی^۲✉، محمود حیدری^۳، لیلی پناغی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: fzarani@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
مهاجرت گسترده افغان‌ها در پی چهار دهه جنگ و ناامنی، آنان را با چالش‌های متعددی در کشورهای میزبان مواجه ساخته است. یکی از این چالش‌ها، اضطراب ناشی از فرهنگ‌پذیری است که می‌تواند سلامت روانی و جسمی مهاجران را تحت تأثیر قرار دهد. هدف پژوهش بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری در میان مهاجران افغان ساکن ایران بود. جامعه آماری شامل تمامی افغان‌های بالای ۱۸ سال مقیم ایران بود که از میان آن‌ها ۵۱۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند (۲۵۲ نفر برای تحلیل اکتشافی و تأییدی مدل هفت عاملی و ۲۵۸ نفر برای تحلیل تأییدی مدل چهار عاملی). داده‌ها از طریق لینک آنلاین و نسخه چاپی در سفارت افغانستان جمع‌آوری شد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل هفت عاملی تأیید نمی‌شود؛ اما تحلیل عاملی اکتشافی ساختار چهار عاملی شامل «ادراک تبعیض»، «دل‌تنگی برای وطن/هم‌وطن»، «دسترس و ناامنی» و «احساس بیگانگی» را استخراج کرد که در مجموع ۵۷,۰۴۲ درصد از واریانس را تبیین کردند. پایایی زیرمقیاس‌ها بین ۰,۸۰ تا ۰,۹۲ و همسانی درونی کل مقیاس ۰,۹۵ به دست آمد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این ابزار می‌تواند در شناسایی اضطراب‌های فرهنگی مهاجران افغان و طراحی مداخلات حمایتی مفید باشد.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵
	واژگان کلیدی: اضطراب فرهنگ‌پذیری روایی پایایی مهاجران افغان

استناد: مجیدی، پرویز، زرانی، فریبا، حیدری، محمود، پناغی، لیلی (۱۴۰۴). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری در مهاجران افغانستانی مقیم ایران. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۱)، ۳۹-۵۴.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.498852.1765>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه روان‌شناسی فرهنگی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)



Investigating the psychometric properties of the acculturation stress scale in Afghan immigrants living in Iran.

Parviz majidi¹, Fariba zarani^{2✉}, Mahmood Heidari³, Leili Panaghi⁴

1. PhD Student, Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Corresponding author: fzarani@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Research Institute for Family, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Article Info

History

Received: January 11, 2025

Accepted: July 16, 2025

Keywords

Acculturation stress

validity

reliability

Afghan refugees

Abstract

The large-scale migration of Afghans following four decades of war and insecurity has presented them with numerous challenges in their host countries. One of these challenges is acculturation stress, which can affect the mental and physical health of immigrants. The aim of the study was to examine the validity and reliability of the acculturation stress questionnaire among Afghan immigrants living in Iran. The statistical population included all Afghans over 18 years of age living in Iran, from whom 510 people were selected using convenience sampling (252 people for exploratory and confirmatory analysis of the seven-factor model and 258 people for confirmatory analysis of the four-factor model). Data were collected through an online link and a printed version at the Afghan embassy. Confirmatory factor analysis showed that the seven-factor model is not confirmed; However, exploratory factor analysis extracted a four-factor structure including “perception of discrimination”, “longing for homeland/compatriot”, “distress and insecurity”, and “feeling of alienation”, which explained a total of 57.042% of the variance. The reliability of the subscales was between 0.80 and 0.92 and the internal consistency of the entire scale was 0.95. The findings indicate that this tool can be useful in identifying cultural stresses of Afghan immigrants and designing supportive interventions.

Citation: majedi, P., zarani, F., Heidari, M., & Panaghi, L. (2025). Investigating the psychometric properties of the acculturation stress scale in Afghan immigrants living in Iran. *Cultural Psychology*, 9(1), 39-54 .

<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.498852.1765>

© 2025 Authors, Cultural Psychology.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

ذهن ما عمیقاً تحت تأثیر باورهای اصلی ماست که در سال‌های اولیه زندگی ایجاد شده است. این باورها شالوده بیان فرهنگی ما را می‌سازند. علی‌رغم تلاش یک تازه‌وارد برای درک آداب و رسوم سطحی یک محیط جدید، درک ارزش‌های اساسی اغلب چالش‌برانگیز است. حضور در یک فرهنگ خارجی می‌تواند شبیه بازگشت به دوران نوزادی باشد، جایی که حتی ابتدایی‌ترین چیزها را باید دوباره یاد گرفت. این تجربه معمولاً منجر به احساس پریشانی، درماندگی و خصومت نسبت به محیط جدید می‌شود (Hofstede, 2010: 5).

در چند دهه اخیر، مهاجرت افغان‌ها به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، افزایش قابل توجهی یافته است. اگرچه آمار دقیقی از تعداد مهاجران افغان در ایران موجود نیست، اما بر اساس گزارش رسمی آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد^۱، در سال ۲۰۲۴ حدود ۷۷۸۰۰۰۰ پناهنده افغان و نزدیک به ۵۸۶۰۰۰۰ دارنده گذرنامه افغانستان با ویزای ایرانی در ایران زندگی می‌کردند و علاوه بر این، تخمین زده می‌شود که حدود ۲ میلیون افغان فاقد مدرک قانونی در این کشور سکونت دارند. این جمعیت بزرگ‌ترین گروه پناهندگان در ایران را تشکیل می‌دهد. مهاجرت معمولاً تغییرات زیادی در زندگی افراد ایجاد می‌کند که در بسیاری از موارد می‌تواند به مشکلاتی جدی منجر شود. چالش‌های این تغییرات به عوامل متعددی از جمله نگرانی از وضعیت اقامت، فرصت‌های شغلی محدود (میرزایی، ۱۳۹۵) تبعیض، عدم پذیرش اجتماعی، عدم دسترسی و مشکلات دسترسی به آموزش باکیفیت (میرزایی، ۱۳۹۶)، مهارت‌های ناکافی زبانی، تفاوت در فرهنگ بستگی دارد (Ren & Jiang, 2021). این عوامل می‌توانند سلامت روانی و سازگاری مهاجرین را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (Berry, 1997). روان‌شناسی بین فرهنگی^۲ برای توصیف این نوع خاص از اضطراب، اصطلاح اضطراب فرهنگ‌پذیری^۳ را معرفی کرده است (Urzu et al., 2021). اضطراب فرهنگ‌پذیری را می‌توان فشار روانی ناشی از تعارضاتی تعریف کرد که افراد در سازگاری با فرهنگ جدید در جامعه میزبان تجربه می‌کنند (Ren & Jiang, 2021).

اضطراب فرهنگ‌پذیری در میان مهاجران و پناهجویان افغان یک موضوع مهم و قابل توجه است که در هنگام برخورد با آسیب‌های ناشی از جابه‌جایی، و پیچیدگی‌های سازگاری با محیط فرهنگی جدید به وجود می‌آید. عوامل مختلفی می‌توانند موجب اضطراب فرهنگی در این جمعیت باشد. مانند بی‌ثباتی اقتصادی، موانع و محدودیت‌های شغلی (Alami et al., 2016)، تجربه تبعیض (Güler, 2022) همچنین قوانین و سیاست‌های مهاجرت در ایران (زندگی نوگران و همکاران، ۱۴۰۲)

بر اساس مدل بری (۱۹۹۷)، فرهنگ‌پذیری به فرآیند یادگیری ارزش‌ها و رفتارهای جدید و از دست دادن ارزش‌های پیشین اشاره دارد. این فرآیند بسته به نوع راهبرد فرهنگ‌پذیری^۴ که افراد اتخاذ می‌کنند، متفاوت است. راهبردهای فرهنگ‌پذیری متفاوتی بر اساس تقسیم‌بندی بری وجود دارد. (Jung, 2022). ادغام^۵ (شامل حفظ هویت فرهنگی خود و درعین حال پذیرش جنبه‌های فرهنگ جدید است). همانندسازی^۶ (شامل کنار گذاشتن هویت فرهنگی خود به منظور پذیرش کامل فرهنگ جدید است). جدایی^۷ (شامل طرد فرهنگ جدید و حفظ هویت فرهنگی خود می‌باشد) و انزوا^۸ (شامل رد هویت فرهنگی خود و فرهنگ جدید است). مطالعات نشان داده‌اند هر کدام از این راهبردها تأثیرات متفاوتی بر سطح اضطراب فرهنگ‌پذیری دارند. دو راهبرد اول نوعی از سازگاری است که کمترین سطح

1. UNHCR
2. Cross-Cultural Psychology
3. Acculturation stress
4. Acculturation strategy
5. Integration
6. Assimilation
7. Separation
8. Marginalization

اضطراب فرهنگ‌پذیری را به وجود می‌آورد؛ درحالی که راهبردهای جدایی و انزوا همراه با بالاترین سطح اضطراب فرهنگ‌پذیری است (Eshun & Gurung, 2009: 9).

به طور خاص، میرزایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و بهداشت روانی مهاجرین افغان پرداخت است. نتایج این پژوهش نشان داد که افغان‌هایی که راهبرد ادغام و همانندی را انتخاب می‌کنند، کمترین سطح فشار روانی و فرهنگی را تجربه می‌کنند، درحالی که حاشیه‌گزینی و جدایی باعث بالاترین سطوح فشار روانی و اضطراب فرهنگی در مهاجرین می‌شود. همچنین رابطه بین فرهنگ‌پذیری، تجربه‌های تبعیض و رضایت از زندگی در میان مهاجران افغان ساکن ترکیه بررسی شده است (Güler, 2022). یافته‌ها نشان داد که مهاجران افغانی که ارتباط کمتری با ترک‌ها و فرهنگ ترکی دارند، بیشتر مورد تبعیض قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، مهاجرانی که تبعیض بیشتری را تجربه می‌کنند، رضایت کمتری از زندگی دارند. در همین راستا، مشارکت همسویی بیشتر با ویژگی‌های فرهنگی میزبان، به کاهش تجربه تبعیض و افزایش رضایت از زندگی منجر می‌شود.

همچنین سطح اضطراب فرهنگ‌پذیری به میزان تمایل افراد به مهاجرت بستگی دارد. گروه‌هایی که تمایل بیشتری به ورود داوطلبانه به یک فرهنگ ناآشنا دارند (مانند دانشجویان بین‌المللی یا مهاجران)، در مقایسه با گروه‌هایی که مهاجرت اجباری را تجربه کرده‌اند (مانند پناهندگان)، اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند (Jang, 2005; Kim & Yang, 2011).

پژوهش‌های کمی در زمینه اضطراب فرهنگ‌پذیری در میان مهاجران افغان محدود است. برخی از مطالعات بر عوامل مؤثر و برخی دیگر بر پیامدهای آن تمرکز داشته‌اند. در یک مطالعه، نتایج نشان داد که کارآفرینی در میان پناهندگان افغان و سوری در ترکیه تحت تأثیر سازگاری فرهنگی و نحوه مواجهه آنان با جامعه میزبان قرار دارد (Safak et al., 2024). همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که شباهت‌های فرهنگی و مذهبی و ارزش‌های جمعی نقش مهمی در تقویت فرایندهای فرهنگ‌پذیری و کارآفرینی دارند، در حالی که تبعیض، محدودیت‌های اقتصادی و موانع نهادی از عوامل اصلی بازدارنده محسوب می‌شوند. نتایج همچنین نشان داد که پناهندگان افغان در مقایسه با سوری‌ها شرایط نامساعدتری در فرآیند فرهنگ‌پذیری تجربه می‌کنند، از جمله ادراک تبعیض بیشتر و فرصت‌های شغلی محدودتر. در پژوهشی دیگر، نتایج نشان داد که تفاوت در سطح فرهنگ‌پذیری بین والدین و جوانان در خانواده‌های پناهجوی افغان در کانادا با چالش‌هایی در پویایی خانواده، سازگاری و رفاه کلی همراه است (Soltan et al., 2023). همچنین یافته‌ها نشان داد که تسلط به زبان دری و ارتباط با فرهنگ افغانی با بهبود روابط خانوادگی و رفاه مرتبط است. علاوه بر این، میزان همسویی والدین با فرهنگ کانادایی بر سازگاری و رفاه فرزندان خردسال تأثیر مثبت دارد. در نهایت، شکاف فرهنگی بین والدین و جوانان در پذیرش هویت کانادایی با کاهش انسجام خانوادگی همراه بوده است.

اضطراب فرهنگ‌پذیری یکی از چالش‌های اساسی است که مانع سازگاری مطلوب مهاجران در جامعه میزبان می‌شود. ادغام موفقیت‌آمیز مهاجران نه تنها برای خود آنان و خانواده‌هایشان، بلکه برای کشور میزبان نیز اهمیت زیادی دارد. زمانی که مهاجران به طور مؤثر ادغام شوند، باعث رشد شخصی، بهزیستی روان‌شناختی و رشد اجتماعی آن‌ها می‌شود. در مقابل، شکست در سازگاری و فرایند فرهنگ‌پذیری می‌تواند منجر به آسیب‌های اجتماعی، احساس سرخوردگی و کاهش فرصت‌های اجتماعی شود. این موضوع ضرورت توسعه ابزارهای ارزیابی مناسب را به شدت روشن می‌کند.

در زمینه بررسی مقیاس‌های اضطراب فرهنگ‌پذیری، به‌ویژه برای مهاجران افغان در ایران، شواهد موجود نشان‌دهنده کمبود ابزارهای معتبر است. رضایی و همکاران (۱۳۹۸) اقدام به اعتباریابی پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری بر روی نوجوانان پناهنده افغانستانی در ایران کردند. این مقیاس بر روی یک گروه سنی خاصی مانند نوجوانان متمرکز شده است که ممکن است به‌اندازه کافی تجربیات سایر افراد از جمله بزرگسالان را نشان ندهد. درحالی که این مطالعه کمک قابل توجهی به درک اضطراب فرهنگ‌پذیری می‌کند، محدودیت مربوط به محدوده سنی شرکت‌کنندگان، نیاز به مطالعات فراگیرتر را که طیف وسیع‌تری از سنین را در برمی‌گیرد، برجسته می‌کند.

مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری برای دانشجویان بین‌المللی که توسط سندو عصرآبادی ساخته شده است، ابزاری ۳۶ ماده‌ای است که در ۷ ابعاد مختلف اضطراب فرهنگ‌پذیری را ارزیابی می‌کند. برای اندازه‌گیری اضطراب تجربه‌شده توسط دانشجویان بین‌المللی طراحی شده است. این مقیاس از مجموع اولیه ۱۲۵ سؤال بر اساس مصاحبه با دانشجویان بین‌المللی و بررسی ادبیات پژوهشی ساخته شده است. مطالعات مختلفی این مقیاس را ابزاری بسیار قابل‌اعتماد و با آلفای کرون باخ ضریب پایایی بین ۰٫۹۲-۰٫۹۶ گزارش کرده‌اند (Sandhu & Asrabadi, 1994; Ma, 2017; Wei et al., 2007). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری در میان جمعیت‌های مختلف کشورها، برای اطمینان از پایایی و روایی این ابزار در ارزیابی تجارب اضطراب فرهنگ‌پذیری مهاجران، از اهمیت بالایی برخوردار است. مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری نقش مهمی در درک و پرداختن به چالش‌های پیشروی افراد در فرایند فرهنگ‌پذیری دارد. علاوه بر این، پژوهش‌های مرتبط نیازمند ابزارهای قابل‌اطمینان و معتبر برای اندازه‌گیری اضطراب فرهنگ‌پذیری هستند و استفاده از پرسش‌نامه‌هایی با ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب، باعث حفظ اعتبار مطالعات فرهنگی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری برای مهاجران افغان مقیم ایران است. این مطالعه تلاش می‌کند تا روایی و پایایی این مقیاس را در این جامعه خاص تأیید کند.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر نوع داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی (تحلیل عاملی) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه اتباع افغانستان مقیم ایران آن‌که سنشان بالای ۱۸ سال است. برای تحلیل‌های عاملی، توافق کلی درباره حجم نمونه وجود ندارد، اما بسیاری از پژوهشگران حداقل ۲۰۰ نفر را برای این منظور پیشنهاد کرده‌اند (Kline, 2010). براین اساس ۵۱۰ نفر (۲۵۲ نفر برای بررسی تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی مدل ۷ عاملی و ۲۵۸ نفر برای بررسی تحلیل عاملی تأییدی مدل ۴ عاملی) از افغان‌های مهاجر ساکن در استان‌های مختلف ایران به‌عنوان گروه نمونه، به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، برای تکمیل پرسش‌نامه لینک پرسش‌نامه آنلاین که در نرم‌افزار پرسلاین طراحی شده بود در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد و یا به‌صورت چاپی در سفارت افغانستان برای افغان‌های که از استان‌های مختلف ایران برای انجام کارهای اداری می‌آمدند، توزیع شد. شرکت‌کنندگان به لحاظ جنسیتی ۳۴۶ مرد و ۱۶۴ زن بود و ۱۲۴ نفر دانشجوی بود و ۳۸۶ نفر مهاجر بودند. در راستای رعایت اخلاق در پژوهش ضمن اطلاع‌رسانی در مورد اهداف پژوهش، محرمانگی داده‌ها رضایت‌نامه شرکت در پژوهش اخذ گردید.

ابزار پژوهش

مقیاس‌های به‌کاررفته در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها شامل مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری (Sandhu & Asrabadi, 1994)؛ مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده (Zimet et al., 1988) و زیرمقیاس وسواس فکری-عملی از پرسش‌نامه فهرست علائم روانی (Derogatis, 1977) بود که در میان شرکت‌کنندگان اجرا شد.

مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری توسط سندو عصرآبادی در سال ۱۹۹۴ برای سنجش میزان اضطراب تجربه‌شده در فرآیند فرهنگ‌پذیری در میان دانشجویان مهاجر طراحی گردیده است. این مقیاس دارای ۳۶ سؤال است که پاسخ‌دهندگان میزان موافقت خود را با هر جمله در یک طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) مشخص می‌کنند. این ابزار اضطراب‌های ناشی از تعامل میان فرهنگی در هفت بعد را ارزیابی می‌کند که شامل: ۱) تبعیض ادراک‌شده (۸ سؤال)، ۲) دل‌تنگی برای خانه (۴ سؤال)، ۳) نفرت/طرد ادراک‌شده (۵ سؤال)، ۴) ترس (۴ سؤال)، ۵) اضطراب ناشی از تغییر/شوکه فرهنگی (۳ سؤال)، ۶) احساس گناه (۲ سؤال)، ۷) متفرقه (۱۰ سؤال) است. مجموعه نمرات ۳۶ سؤال دامنه نمرات از

۳۶ تا ۱۸۰ به دست می‌آید و هرچه نمره فرد در مقیاس بالاتر باشد نشان‌دهنده تجربه اضطراب فرهنگی پذیری بالاتری است. این مقیاس برای استفاده در جمعیت‌های مهاجر و دانشجویان بین‌المللی طراحی شده است.

مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده (Zimet et al., 1988) برای سنجش ادراک فرد از میزان حمایت اجتماعی در دسترس از سوی منابع مختلف طراحی شده است. ابزار مذکور دارای ۱۲ سوال و سه خرده مقیاس خانواده^۱، دوستان^۲ و دیگران مهم^۳ است که هر کدام چهار سوال را در بر می‌گیرد. مطالعات پیشین روایی و پایایی مطلوب این ابزار را تأیید کرده‌اند. برای نمونه، خوشرو و دبار کی و همکاران (۱۴۰۲) پایایی کل ابزار را ۰٫۹۲، و ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های خانواده، دوستان و دیگران مهم را به ترتیب ۰٫۸۷، ۰٫۸۳، ۰٫۸۹ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، این ابزار به منظور بررسی روایی همگرایی مقیاس اضطراب فرهنگی پذیری به کار گرفته شده است.

همچنین در این پژوهش، برای بررسی روایی واگرایی مقیاس اضطراب فرهنگی پذیری، از زیرمقیاس وسواس فکری-عملی پرسش‌نامه فهرست علائم روانی (SCL-90-R) استفاده شد. زیرمقیاس وسواس فکری-عملی به دلیل تفاوت‌های نظری و روان‌شناختی میان سازه‌ها انتخاب شد. اضطراب فرهنگی پذیری تجربه‌ای اجتماعی و بافت‌محور است که ریشه در عواملی مثل تبعیض، احساس طرد، دشواری در انطباق با محیط جدید، مشکلات ارتباطی و از دست دادن حمایت اجتماعی دارد (Berry, 2006; Williams & Berry, 1991). در مقابل، اختلال وسواس فکری-عملی یک اختلال بالینی با منشا درون فردی است که با افکار مزاحم، تکرار شونده و ناخواسته و نیز رفتارهای اجباری برای کاهش اضطراب همراه است (American Psychiatric Association, 2022) بنابراین، استفاده از این زیرمقیاس می‌تواند تفاوت‌های مفهومی اضطراب فرهنگی پذیری با اختلال بالینی‌ای مانند وسواس را بهتر نشان دهد.

در تدوین پرسش‌نامه اضطراب فرهنگی پذیری ابتدا از طراح اصلی آن اجازه جهت ترجمه و استفاده از آن گرفته شد. به تعقیب آن پرسش‌نامه در اختیار دو نفر متخصص زبان انگلیسی و روان‌شناس آشنا با زبان انگلیسی جهت ترجمه قرار گرفت. پس از تأیید ترجمه‌ها نسخه ترجمه‌شده جهت باز ترجمه به زبان اصلی در اختیار یک متخصص زبان انگلیسی و یک روان‌شناس آشنا با زبان انگلیسی جهت ترجمه قرار گرفت که نسخه اولیه انگلیسی مقیاس را مشاهده نکرده بود. در نهایت پرسش‌نامه‌های باز ترجمه جهت تأیید درستی صوری و محتوایی آن در اختیار یک تن از اساتید روان‌شناسی آشنا با زبان و فرهنگ انگلیسی و دو تن از اساتید روان‌شناسی و علوم تربیتی افغان و یک تن از اساتید زبان و ادبیات دری افغان قرار گرفت. در ضمن قبل از اجرای اصلی، پرسش‌نامه به گروه‌های مختلف مهاجران افغان به تعداد ۳۸ تن جهت تکمیل توزیع شد تا وضوح و شفافیت زبان و قابلیت فهم آن بررسی شود. با توجه به اهداف پژوهش که بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه است تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار AMOS^{۲۴} و SPSS^{۲۷} انجام شد.

یافته‌ها پژوهش

ساختار مقیاس اضطراب فرهنگی پذیری با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا روابط گویه‌ها و ساختار عاملی بین آن‌ها در قالب مدل ۷ عاملی با استفاده از نرم‌افزار ایموس با داده‌های تجربی در نمونه ۲۵۲ نفری آزمون شد. با این حال، با توجه به شاخص‌های برازش به دست آمده در زیر، مدل ۷ عاملی مقیاس اضطراب فرهنگی پذیری از برازندگی مناسبی برخوردار نبود.

1. Family
2. Friends
3. significant others

جدول ۱ شاخص‌های برازش

شاخص برازش	مقدار به دست آمده	مقدار مطلوب	تفسیر
RMSEA	۰/۴۹	کمتر از ۰/۰۸	غیر قابل قبول
PCMIN/DF	۱,۶۱۴	کوچک‌تر از ۳	قابل قبول
CFI	۰/۲۰۳	بالای ۰/۹۰	غیر قابل قبول
PCFI	۰/۱۸۹	بالای ۰/۶	غیر قابل قبول

در جدول ۱ شاخص‌های برازش مدل مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری را نشان می‌دهد. با توجه به جدول شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (PCMIN/DF) برابر با ۱,۶۱۴ به دست آمده است و در بازه قابل قبول هستند (حییبی و همکاران، ۱۳۹۶ و هومن، ۱۳۹۳) ولی سایر شاخص‌ها مثل شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) که مقدار شاخص آن کمتر از ۰/۹۰ به دست آمده و ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) که مقدار آن بیشتر از ۰/۰۸ به دست آمده است. در بازه قابل قبول نمی‌باشند (حییبی و همکاران، ۱۳۹۶ و هومن، ۱۳۹۳) و شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) که مقدار کمتر از ۰/۶ است و در بازه قابل قبول نیست (Hu & Bentler, 1999).

به منظور انجام تحلیل عاملی اکتشافی ابتدا مفروضه‌های کفایت نمونه‌برداری کیسر/میر/الکین (KMO) و کرویت بارتلت بررسی شد. نتیجه آزمون نشان داد که مقدار ضریب کیسر/میر/الکین (۰/۹۴) بیانگر کفایت نمونه‌برداری است و آزمون کرویت بارتلت ($\chi^2 = 5539/193, p = 0/001$) نیز نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست و حاکی از آن است که شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی قابل توجیه است (حییبی و عدن ور، ۱۳۹۶) همان گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود سؤال‌های ۴، ۲۳، ۱۱ و ۲۷ چون تحت پوشش دو عامل قرار گرفتند قابل اعتماد نیستند و همچنین سؤال ۱۳ چون تحت پوشش سه عامل قرار گرفت است قابل اعتماد نیست و به دلیل بار عاملی نزدیک به هم بروی دو یا سه عامل این سؤالات حذف شدند.

جدول ۲ بارهای عاملی سؤالات پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری

شماره	سؤالات	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
۹	افراد برخی شهرهای ایران نسبت به من تعصب دارند.	۰/۷۴۳			
۱۴	احساس می‌کنم که با من رفتار نابرابری می‌شود.	۰/۷۳۰			
۲۴	افراد برخی شهرهای ایران با رفتارهای خود نسبت به من نفرت نشان می‌دهند.	۰/۷۲۶			
۱۵	افراد برخی شهرهای ایران به صورت غیر کلامی نسبت به من نفرت نشان می‌دهند.	۰/۷۱۰			
۲۶	به خاطر ملیتم با من متفاوت رفتار می‌شود.	۰/۶۲۳			
۲۵	احساس می‌کنم به دلیل سابقه فرهنگی‌ام، در این جامعه از جایگاه پایین‌تری برخوردارم.	۰/۶۲۱			
۱۶	در اینجا وقتی مردم ارزش‌های فرهنگی من را درک نمی‌کنند آزارم می‌دهد.	۰/۶۰۶			
۲۰	وقتی دیگران قدر ارزش‌های فرهنگی من را نمی‌دانند احساس عدم پذیرش می‌کنم.	۰/۵۹۷			
۱۷	در اینجا توانایی‌های من نادیده گرفته می‌شود.	۰/۵۹۴			
۴	وقتی مردم به ارزش‌های فرهنگی من کنایه می‌زنند، احساس طرد شدن می‌کنم	۰/۵۱۸	۰/۴۱۳		
۳	در موقعیت‌های اجتماعی با من به طور معمول رفتار نمی‌شود.	۰/۴۷۴			

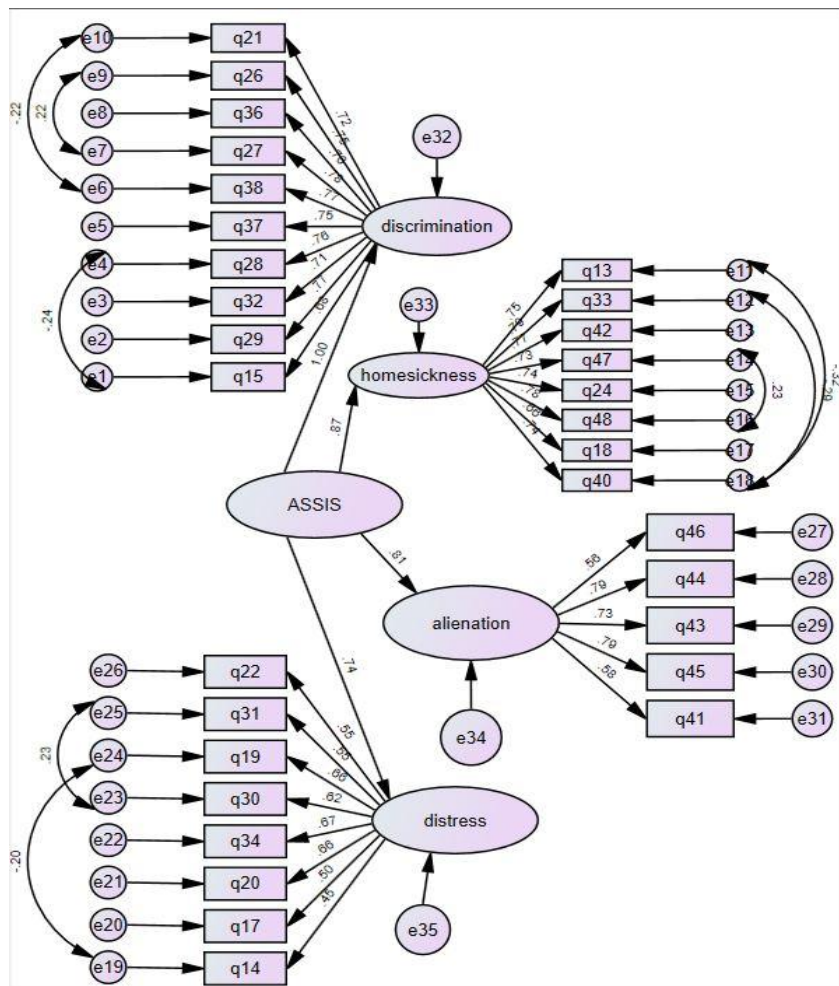
ادامه جدول ۲ بارهای عاملی سؤالات پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری

شماره	سوالات	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
۱	دل‌تنگی برای کشورم آزارم می‌دهد.		۰/۷۷۳		
۲۱	دلم برای هم‌وطنان و کشورم تنگ‌شده است.		۰/۷۶۹		
۳۰	با دیدن مشکلات هم‌وطنانم در اینجا غمگین می‌شوم		۰/۷۴۶		
۳۵	اینکه از بستگانم جداشده‌ام احساس ناراحتی می‌کنم.		۰/۷۱۳		
۱۲	از اینکه مردم کشورم در اینجا جایگاه پایین‌تری دارند احساس ناراحتی می‌کنم.		۰/۶۷۴		
۲۳	احساس می‌کنم هم‌وطنانم مورد تبعیض قرار می‌گیرند.	۰/۶۰۵		۰/۶۰۵	
۳۶	نگران آینده‌ام هستم زیرا نمی‌توانم تصمیم بگیرم اینجا بمانم یا برگردم.		۰/۵۸۰		
۶	از زندگی در محیطی غریب غمگینم.		۰/۵۵۲		
۲۸	به این جامعه احساس تعلق نمی‌کنم.		۰/۵۰۷		
۱۳	پس از آمدن به این جامعه فشارهای متعددی به من واردشده است که من را دچار رنجش شدیدی کرده است	۰/۴۰۹	۰/۴۵۸	۰/۴۵۷	
۱۰	احساس گناه من کنم که از خانواده و دوستانم در کشورم جداشده‌ام.			۰/۶۴۶	
۱۹	به خاطر سابقه فرهنگی‌ام احساس ناخوشایندی دارم.			۰/۶۴۳	
۷	به خاطر سابقه فرهنگی متفاوتم نگران امنیت شخصی‌ام هستم.			۰/۶۱۹	
۸	شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در من ایجاد ترس می‌کند			۰/۶۰۷	
۲۲	برای سازگاری با ارزش‌های فرهنگی جدید راحت نیستم.			۰/۵۸۹	
۱۸	در اینجا از ترس دیگران مجبورم مکرراً نقل مکان کنم.			۰/۵۶۲	
۵	از برقراری ارتباط به لهجه فارسی (ایرانی) مضطرب می‌شوم.			۰/۵۳۵	
۲	من به خاطر سازگاری با غذاهای جدید و یا شیوه‌های غذا خوردن احساس ناراحتی می‌کنم.			۰/۵۱۰	
۱۱	در خیلی از فرصت‌ها نادیده گرفته می‌شوم	۰/۴۵۵		۰/۴۷۱	
۳۴	به خاطر سبک زندگی متفاوتم در این کشور، احساس گناه می‌کنم.			۰/۶۱۶	
۳۲	احساس می‌کنم بعضی مردم به خاطر ملیتم با من ارتباط برقرار نمی‌کنند.			۰/۶۱۴	
۳۱	عموماً به خاطر ترس از افراد برخی شهرهای ایران سعی می‌کنم ناشناس بمانم.			۰/۶۰۲	
۳۳	مردم برخی شهرهای ایران نسبت به من نفرت کلامی نشان می‌دهند.			۰/۵۷۰	
۲۹	در اینجا به خاطر چهره و شکل ظاهری‌ام با من متفاوت رفتار می‌شود.			۰/۵۲۰	
۲۷	در اینجا احساس ناامنی می‌کنم.			۰/۴۴۵	۰/۴۶۷

برای عامل‌یابی از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش به شیوه واریماکس استفاده شد که در نتیجه چهار عامل ادراک تبعیض، دل‌تنگی برای (وطن - هم‌وطن)، دسترس و ناامنی و احساس بیگانگی با توجه به محتوای گویه‌ها از پرسش‌نامه استخراج گردید. مجموع واریانس نین شده توسط چهار عامل پرسش‌نامه برابر با ۵۷/۰۴۲ درصد به دست آمد که ۲۰/۰۷۴ درصد واریانس توسط عامل اول (ادراک تبعیض)، ۱۶/۱۴۳ درصد واریانس توسط عامل دوم (دل‌تنگی)، ۱۲/۴۳۶ درصد واریانس توسط عامل سوم (دسترس و ناامنی) و ۸/۳۸۹ درصد واریانس توسط عامل چهارم (احساس بیگانگی) تبیین شده است. همچنین مقدار ویژه عامل یک (ادراک تبعیض) برابر با ۱۴/۲۷۶، مقدار ویژه عامل دوم (دل‌تنگی) برابر با ۳/۳۰۴، مقدار ویژه عامل سوم (دسترس و ناامنی) برابر با ۱/۵۷۵، و مقدار ویژه عامل چهارم (احساس بیگانگی) برابر

با ۱/۳۸۰ به دست آمده که قابل قبول است. چون مقدار ارزش ویژه عامل‌ها نباید کمتر از یک باشد (قاسمی، ۱۳۹۳). در این پژوهش، ماده‌هایی مشمول یک عامل شدند که وزن ۰/۳۰ یا بیشتر داشتند. البته حداقل مقدار بار عاملی مربوط به سؤال ۳ برابر با ۰/۴۷۴ به دست آمد که بر روی عامل ادراک تبعیض قرار گرفت و حداکثر مقدار بار عاملی مربوط به سؤال ۱ بود که برابر با ۰/۷۷۳ به دست آمد و بر روی عامل دل‌تنگی قرار گرفت. بر علاوه سؤالات شماره ۳، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ روی عامل اول (ادراک تبعیض) بار عاملی داشتند، سؤالات شماره ۱، ۶، ۱۲، ۲۱، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۳۶ روی عامل دوم (دل‌تنگی) بار عاملی داشتند، سؤالات شماره ۲، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۸، ۱۹، و ۲۲ روی عامل سوم (دسترس و ناامنی) بار عاملی داشتند سؤالات شماره ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۴ روی عامل چهارم (احساس بیگانگی) بار عاملی داشتند قرار گرفتند. جدول شماره ۲ بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها را بعد از چرخش واریماکس نشان می‌دهد.

در ادامه با هدف تأیید ساختار مدل چهار عاملی برای مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. با توجه به خروجی‌های نرم‌افزار ایموس و اصلاح ۸ مورد از خطاها می‌توان به میزان زیادی مقدار شاخص‌ها را بهبود بخشید پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فرض ناهمبسته بودن تمامی خطاها در یک مدل، به ندرت با داده‌های واقعی سازگار است (Bentler & Chou, 1987; Bentler, 1988). از این رو، اضافه کردن چنین خطاهایی به مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی نه تنها به اعتبار عاملی پرسش‌نامه آسیب نخواهد زد، بلکه بازنمایی واقع‌بینانه‌تری از داده‌ها مشاهده شده ارائه می‌دهد؛ بنابراین، تصمیم گرفته شد از این روش نیز برای برآزش دادن بهتر مدل تحلیل عاملی تأییدی این پرسش‌نامه استفاده شود



شکل شماره ۱ تحلیل عاملی تأییدی برای الگوی چهار عاملی مقیاس استرس فرهنگ‌پذیری

جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل ۴ عاملی

تفسیر	مقدار مطلوب	مقدار به‌دست آمده	شاخص برازش
قابل قبول	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۴	RMSEA
قابل قبول	کوچک‌تر از ۳	۲/۰۵۲	PCMIN/DF
قابل قبول	بالای ۰/۹۰	۰/۹۰۱	CFI
قابل قبول	بالای ۰/۶	۰/۸۱	PCFI

طوری که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنید برای برازش مدل شاخص‌های ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)، نسبت مجذور کای به درجه آزادی (PCMIN/DF)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص تناسب نا به هنجار (TLI) و شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) ارزیابی شده‌اند و همه شاخص‌ها در بازه قابل قبول هستند، برای شاخص ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب RMSEA مقدار ۰/۰۶ به‌دست آمده است که در بازه قابل قبول می‌باشد شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (PCMIN/DF) ۲,۰۵۲ به‌دست آمده است که در بازه قابل قبول می‌باشد، برای شاخص برازش مقایسه‌ای یا CFI مقدار ۰/۹۰ به‌دست آمده است که قابل قبول تلقی می‌باشد و برای شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) مقدار ۰/۸۱ به‌دست آمده است که در بازه قابل قبول قرار دارد؛ بنابراین تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل از برازش قابل قبول برخوردار است و شاخص‌ها ذکر شده برازش مدل را تأیید کردند.

همچنین علاوه بر تحلیل عاملی تأییدی به منظور بررسی روایی مقیاس از دو معیار روایی همگرا^۱ و واگرا^۲ استفاده شد روایی همگرا در واقع نوعی از اعتبار سازه است که بیان می‌کند آزمون‌های که سازه‌های یکسان یا مشابه دارند باید همبستگی بالایی داشته باشند (Gregory, 2014:130) یعنی آزمون یا ابزار، رابطه قوی با پاسخ‌های آزمون‌ها یا ابزارهای مشابه داشته باشد و برای تفسیر مقدار ضریب همبستگی کوهن (۱۹۸۸) همبستگی ۰/۲۹ کم، همبستگی بین ۰/۳۰-۰/۴۹ متوسط، همبستگی ۰/۵۰-۰/۷۰ زیاد و همبستگی بزرگ‌تر از ۰/۷۰ خیلی زیاد پیشنهاد کرده است. ضریب همبستگی برای چهار زیر مقیاس اضطراب فرهنگ پذیرگی از طریق محاسبه ضریب همبستگی پیرسون با مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده، تأیید شد و مقادیر محاسبه شده ضریب همبستگی برای چهار زیر مقیاس تبعیض ادراک شده، دل‌تنگی برای (وطن - هم‌وطن)، دیسترس و ناامنی و احساس بیگانگی به ترتیب ۰/۵۵-، ۰/۴۹- و ۰/۶۱- می‌باشد با سطح اطمینان ۹۵ درصد که نشان‌دهنده ارتباط معکوس و معناداری بین زیر مقیاس‌های اضطراب فرهنگ پذیرگی و حمایت اجتماعی ادراک شده است. بعلاوه، برای ارزیابی روایی همگرا شاخص میانگین واریانس استخراج شده محاسبه شد مقدار قابل قبول برای آن باید بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۵ باشد (Fornell & Larcker, 1981). نتایج به‌دست آمده مقادیر میانگین واریانس استخراج شده برای زیر مقیاس‌های تبعیض ادراک شده ۰/۴۱، دل‌تنگی برای (وطن - هم‌وطن) ۰/۴۵، دیسترس و ناامنی ۰/۳۴، و احساس بیگانگی ۰/۳۴ به‌دست آمده است که نشان می‌دهد مقادیر قابل قبول نیست البته از آنجایی که کارشناسان پیشنهاد می‌کنند اگر میانگین واریانس استخراج شده کمتر از ۰/۵ باشد؛ اما پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۶ باشد، روایی همگرای سازه همچنان قابل قبول است (Fornell & Larcker, 1981; Malhotra, 2010: 702) قسمی که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود مقادیر پایایی ترکیبی^۳ بالاتر از ۰/۶ است؛ بنابراین، روایی همگرا مقیاس قابل قبول می‌باشد.

1. Convergent Validity
2. Discriminant Validity
3. Composite Reliability

روایی واگرا نشان می‌دهد که یک آزمون با متغیرها یا آزمون‌هایی که فرض می‌شود از نظر مفهومی با آن واگرا باشند، همبستگی معناداری نداشته باشد یا حداقل همبستگی را نشان دهد (Zeng, Proctor, & Salvendy, 2011; Gregory, 2014: 130). بر این اساس، برای بررسی روایی واگرا مقیاس اضطراب فرهنگ‌پذیری، همبستگی میان زیرمقیاس‌های این ابزار با زیرمقیاس وسواس فکری-عملی از پرسش‌نامه فهرست علائم روانی (SCL-90-R) بررسی شد. مقیاس وسواس فکری-عملی به دلیل تفاوت مفهومی با اضطراب فرهنگ‌پذیری، به عنوان شاخصی برای بررسی روایی واگرای سازه انتخاب شد. بر اساس اصول روایی واگرا، انتظار می‌رود که این دو مقیاس همبستگی معناداری با یکدیگر نداشته باشند.

جدول ۴ روایی واگرا با زیرمقیاس وسواس فکری عملی

زیرمقیاس‌های اضطراب فرهنگ‌پذیری	ضریب همبستگی با وسواس فکری - عملی
ادراک تبعیض	۰/۱۳
دل‌تنگی برای وطن - هم‌وطن	۰/۲۱
دیسترس و ناامنی	۰/۰۵
احساس بیگانگی	۰/۰۹

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، ضرایب همبستگی میان زیرمقیاس‌های اضطراب فرهنگ‌پذیری و وسواس فکری-عملی فاقد معناداری بوده و این امر تمایز صحیح بین این دو سازه را تأیید می‌کند. علاوه بر این، شاخص روایی یگانه-دوگانه^۱ برای ارزیابی روایی واگرا مورد استفاده قرار گرفت (Henseler, Ringle, & Sarstedt, 2015). مقدار قابل قبول این شاخص کمتر از ۰,۹۰ در نظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که مقادیر کمتر از ۰,۹۰ نشان‌دهنده برخورداری سازه‌ها از روایی واگرای مناسب است. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر شاخص یگانه - دوگانه کمتر از ۰,۹۰ هستند؛ بنابراین، روایی واگرای مقیاس در سطح قابل قبولی قرار دارد.

جدول ۵ روایی و پایایی

پایایی	روایی				ویژگی‌های روان‌سنجی
	همگرا	واگرا (ماتریس شاخص یگانه - دوگانه)			
زیرمقیاس	AVE	۴	۳	۲	۱
پایایی ترکیبی	آلفای کرون باخ				
۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۴۱			۱
۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۴۵			۲
۰/۸۱	۰/۸۰	۰/۳۴		۰/۵۹	۳
۰/۷۲	۰/۸۲	۰/۳۴	-	۰/۷۵	۴

برای سنجش پایایی و زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری از دو معیار ضریب آلفای کرون باخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. در جدول شماره ۵ نتایج ضرایب آلفای کرون باخ گویه‌های هر یک از زیرمقیاس‌های ادراک

تبعیض ۰/۹۲، دل‌تنگی برای (وطن - هم‌وطن) ۰/۹۰، دیسترس و ناامنی ۰/۸۰ و احساس بیگانگی ۰/۸۲ و همسانی درونی کل مقیاس ۰/۹۵ محاسبه شده است. علاوه بر این، در جدول شماره ۵ پایایی ترکیبی برای زیر مقیاس‌های تبعیض ادراک شده ۰/۸۷، دل‌تنگی برای (وطن - هم‌وطن) ۰/۸۶، دیسترس و ناامنی ۰/۸۱ و احساس بیگانگی ۰/۷۲ به دست آمده است. بسیار مهم است که مفادیر این دو شاخص بزرگ‌تر یا حداقل مساوی ۰/۷ باشد (Triwidyati & Tentama, 2020) این ضرایب بیانگر همسانی درونی پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری در میان مهاجران افغان مقیم ایران بود. نتایج نشان دادند که مدل هفت‌عاملی اولیه مورد تأیید قرار نگرفت، اما تحلیل عاملی اکتشافی ساختاری چهارعاملی را استخراج کرد و این چهار عامل در مجموع ۵۷.۰۴ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. این تفاوت می‌تواند ناشی از تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر ساختار مقیاس باشد. یافته حاضر با مطالعات پیشین همسو است؛ زیرا نشان داده‌اند ابزارهایی که در بافت‌های فرهنگی متفاوت ساخته می‌شوند، ممکن است در جوامع دیگر ساختار یکسانی نداشته باشند و نیازمند بازآزمونی و بومی‌سازی باشند (Byrne, 2008; Solberg, Gridley, & Peters, 2022; Milfont & Fischer, 2010). همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه مهاجران افغان در ایران تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و نهادی ویژه قرار دارد؛ محدودیت‌های حقوقی، تبعیض نهادی و کاهش دسترسی به حمایت اجتماعی از جمله عواملی هستند که فشارهای روانی و اضطراب فرهنگ‌پذیری این جمعیت را تشدید می‌کنند (زندگی ناوگران و همکاران، ۱۴۰۲؛ میرزائی، ۱۳۹۵) که احتمالاً جهت‌گیری و گروه‌بندی آیت‌ها را تغییر داده و منجر به ظهور چهار مؤلفه حاضر شده است. به همین دلیل، برخی عامل‌های مدل اولیه در نمونه حاضر بازتولید نشدند و یا در قالب مؤلفه‌های جدید ادغام شدند؛ این موضوع خود بازتابی از تفاوت‌های فرهنگی و موقعیتی است که اهمیت بومی‌سازی ابزارها را برجسته می‌سازد.

عامل ادراک تبعیض که بیشترین سهم را داشت و حدود ۲۰.۰۷ درصد از واریانس کل تبیین کرد، شامل آیت‌هایی است که تجربه رفتارهای تبعیض‌آمیز، نادیده‌انگاری و طرد اجتماعی را بازتاب می‌دهند. این یافته با پژوهش‌های پیشین که نشان داده‌اند تبعیض و انگ اجتماعی یکی از اصلی‌ترین منابع اضطراب فرهنگ‌پذیری در میان مهاجران است همخوانی دارد (Eiroa-Orosa et al., 2023; Alami & Stempel, 2018). در مورد مهاجران افغان در ایران نیز تحقیقات متعدد به تجربه تبعیض بر افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی آنان اشاره کرده‌اند (Eiroa-Orosa et al., 2023; Alami & Stempel, 2018). در مورد مهاجران افغان در ایران نیز تحقیقات متعدد به تجربه تبعیض بر افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی آنان اشاره کرده‌اند (European Union Agency for Asylum, 2023; زندگی ناوگران و همکاران، ۱۴۰۱؛ Seddighi et al., 2024). شواهد مشابهی نیز در سایر کشورها گزارش شده است؛ همچنین، تجربه تبعیض با کاهش رضایت از زندگی در میان مهاجران افغان ساکن ترکیه ارتباط معناداری دارد (Güler, 2022). این مجموعه شواهد نشان می‌دهد که تبعیض نه تنها تجربه‌ای رایج در زندگی روزمره مهاجران افغان است، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری اضطراب فرهنگ‌پذیری ایفا می‌کند.

دومین عامل، دل‌تنگی برای وطن و هم‌وطن بود که در مهاجران افغان فراتر از احساس غربت ساده است و بیشتر شامل اندوه جدایی، نگرانی از وضعیت هم‌وطنان و احساس فقدان پیوندهای خانوادگی و اجتماعی می‌شود و حدود ۱۶.۱۴ درصد از واریانس را تبیین کرد. در این نمونه، این عامل به یک منبع پایدار اضطراب فرهنگی تبدیل شده است. این یافته با پژوهش‌های پیشین همسو است که نشان می‌دهند دل‌تنگی شامل ابعادی مانند مشکلات سازگاری، تنهایی، نشخوار ذهنی درباره وطن و دل‌تنگی برای خانواده و دوستان است (Rössner et al., 2022). همچنین، زندگی در شرایط

دشوار و فقدان حمایت اجتماعی می‌تواند تجربه دل‌تنگی و غم غربت را در میان مهاجران افغان تشدید کند (Samari et al., 2023).

سومین عامل استخراج‌شده، دیسترس و ناامنی بود که نگرانی‌های امنیتی، اقتصادی و مشکلات در سازگاری روزمره را در بر می‌گیرد و نزدیک به ۱۲٫۴۴٪ از واریانس را توضیح می‌دهد. این یافته با مطالعات پیشین همخوانی دارد که شرایط زندگی بی‌ثبات، محدودیت در دسترسی به خدمات و ناامنی اقتصادی را از منابع اصلی اضطراب مهاجرتی معرفی کرده‌اند (Alami et al., 2016; Miller & Rasmussen, 2017). در ایران نیز پژوهش‌ها مشکلات معیشتی، اقامتی و حقوقی مهاجران افغان را به‌عنوان عوامل تهدیدکننده سلامت روان آنان شناسایی کرده‌اند (زندگی‌ناوگران و همکاران، ۱۴۰۲؛ فرهادی بآبادی و همکاران، ۱۴۰۲). بنابراین، این مؤلفه بازتاب مستقیم شرایط ساختاری و عینی زندگی این گروه است.

چهارمین عامل، احساس بیگانگی بود که نشان‌دهنده ضعف حس تعلق، انزوا و تلاش برای پنهان کردن هویت است و حدود ۸٫۳۹٪ از واریانس را تبیین می‌کند. این یافته با پژوهش‌های مربوط به مهاجران افغان همسو است و نشان می‌دهد که نبود تعلق اجتماعی و محدودیت در تعاملات اجتماعی، تجربه‌ای رایج در این جمعیت است (زندگی‌ناوگران و همکاران، ۱۴۰۲؛ سنقری و همکاران، ۱۳۹۳؛ Abbasi-Shavazi et al., 2008). علاوه بر این، بررسی‌های بین‌المللی نیز تایید می‌کنند که غوطه‌وری در محیط‌های پرخطر و مواجهه با بی‌عدالتی‌های نهادی و محدودیت‌های اجتماعی، تجربه‌ای مشابه از طرد، حاشیه‌نشینی و بیگانگی را حتی در میان مهاجران شمال آفریقایی ساکن در حومه‌های پاریس رقم می‌زند (Armand, 2020).

در مجموع، پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری پس از بازبومی‌سازی در میان مهاجران افغان مقیم ایران ساختاری چهارعاملی و پایایی درونی مطلوب نشان داد و می‌تواند به‌عنوان ابزاری حساس به زمینه‌های فرهنگی برای شناسایی منابع اصلی فشار روانی این گروه به کار رود. با وجود این، برخی شاخص‌های روایی همگرا در مرز قابل‌قبول قرار دارند و تحلیل عاملی تأییدی پس از اعمال اصلاحات به شاخص‌های برآزش مطلوب رسید که نشان‌دهنده قابلیت سازگاری مدل با داده‌های این جامعه است. با این حال، برای اطمینان بیشتر از پایداری این ساختار، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آینده مدل در نمونه‌های مستقل و در گروه‌های مختلف مهاجران آزمون شود پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که باید در تعمیم نتایج مدنظر قرار گیرد؛ نخست آن که جامعه مورد بررسی تنها شامل مهاجران دری‌زبان بود و این موضوع تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌های زبانی مانند پشتوزبان‌ها را محدود می‌کند. دوم، بخشی از داده‌ها در محل سفارت افغانستان گردآوری شد که هرچند تنها افراد داوطلب انتخاب شدند، اما احتمال دارد کاهش تمرکز برخی شرکت‌کنندگان بر کیفیت پاسخ‌ها اثر گذاشته باشد. سوم، پایایی ابزار صرفاً از طریق همسانی درونی سنجیده شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های تکمیلی مانند بازآزمایی و پایایی مقایسه‌ای برای بررسی دقیق‌تر ثبات ابزار استفاده شود با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌های این پژوهش می‌توانند در عمل برای متخصصان بالینی و سیاست‌گذاران اجتماعی سودمند باشند؛ زیرا شناسایی چهار حوزه کلیدی اضطراب فرهنگ‌پذیری ادراک تبعیض، دل‌تنگی، دیسترس/ناامنی و احساس بیگانگی می‌تواند به طراحی مداخلات حمایتی، کاهش تبعیض و ارتقای سلامت روان مهاجران کمک کند.

تعارض منافع

در مقاله حاضر، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از رساله دکتری است. نویسندگان این مقاله لازم می‌دانند که از تمام کسانی که در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند، صمیمانه تشکر کنند.

منابع

- حیبی، آرش و عدنور، مصطفی. (۱۳۹۶). *مدل یابی معادله ساختاری و تحلیل عاملی (آموزش کاربردی نرم‌افزار لیزرل)*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- خوشرو رودبارکی، طاهره، قربان‌پور لقمجانی، احمد و بلند، حامد. (۱۴۰۲). رابطه سرمایه روانشناختی باتوانمندی خانواده: نقش میانجی معنای زندگی و حمایت اجتماعی ادراک شده. *مجله روانشناسی خانواده و سلامت اجتماعی*، ۶۳(۲)، ۲۱۳-۱۸۳
- رضایی، باقر، حیدری‌نسب، لیلا، روشن، رسول و غلامی فشارکی، محمد. (۱۳۹۸). اعتبار یابی پرسش‌نامه اضطراب فرهنگ‌پذیری بر روی نوجوانان پناهنده افغانستانی در ایران. *نشریه: آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران*. ۴۶-۵۴
- زندگی ناوگران، لیلا، عسکری ندوشن، عباس، صادقی، رسول، افراسیابی، حسین و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۴۰۲). ادغام هویتی مهاجران افغانستانی در ایران: یک مطالعه داده‌بنیاد رفاه اجتماعی، ۲۳(۸۹)، ۱۶۵-۲۰۶.
- سنقری، ناهید، فکری آزاد، حسین و معارف‌وند، معصومه. (۱۳۹۳). موانع ادغام اجتماعی نوجوانان افغانستانی در جامعه ایرانی (مطالعه موردی شهر تهران). *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر* ۳(۵)، ۱۰۱-۱۲۱.
- فرهادی بابادی، فاطمه، نوابخش، مهرداد و خادمیان، طلیعه. (۱۴۰۲). تجربه زیسته نقش‌های زنانه در بین مهاجرین افغانستانی. *مطالعات جمعیتی*، ۱۳۵-۱۶۹، ۷(۲).
- قاسمی، وحید. (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش اجتماعی با کاربرد ایموس*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- میرزائی، حسین. (۱۳۹۵). راهبردهای فرهنگ‌پذیری و بهداشت روانی مهاجرین افغانستانی در شهرک قائم قم (مطالعه‌ای انسان‌شناختی). *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۷)، ۲۴۵-۱۸۹.
- میرزائی، حسین. (۱۳۹۶). بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران. *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۴(۱۱)، ۸۴-۴۳. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.9650>
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۳). *مدل یابی معادله ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، انتشارات سمت، چاپ ششم.

- Abbasi-Shavazi, M. J., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2008). Second-generation Afghans in Iran: Integration, identity and return.
- Alemi, Q., & Stempel, C. (2018). Discrimination and distress among Afghan refugees in northern California: The moderating role of pre- and post-migration factors. *PLoS one*, 13(5), e0196822.
- Alemi, Q., Montgomery, S., Danis, D., Baek, K., Lares, L., Villa, P., & Stempel, C. (2016). Impact of Postmigration Living Difficulties on the Mental Health of Afghan Migrants Residing in Istanbul. *International Journal of Population Research*, 2016, 1-8. <https://doi.org/10.1155/2016/7690697>
- American Psychiatric Association. (2022). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders* (5th ed., Text Revision). American Psychiatric Association.
- Armand, A. (2020). *The Identity Crisis in France: A Study of Alienated Immigrant Populations*. L'Harmattan.
- Bentler, P. M., & Chou, C. P. (1987). Practical issues in structural modeling. *Sociological methods & research*, 16(1), 78-117.
- Bentler, P.M. (1988). Comparative fit indexes in structural model. *Psychological Bulletin*, 107, 238-246.
- Berry, J.W. (2006). Acculturative Stress. In P.T.P. Wong & L.C.J. Wong (Eds.), *Handbook of Multicultural Perspectives on Stress and Coping* (pp. 287-298). Springer US. https://doi.org/10.1007/0-387-26238-5_12
- Byrne, B. M. (2008). Testing for multigroup equivalence of a measuring instrument: A walk through the process. *Psicothema*, 20(4), 872-882.
- Eiroa-Orosa, F. J., Evangelidou, S., Qureshi, A., & Collazos, F. (2023). Cross-cultural validation of the barcelona immigration stress scale. *Journal of Immigrant and Minority Health*, 25(6), 1339-1353.
- Eshun, S., & Gurung, R. A. (Eds.). (2009). *Culture and mental health: Sociocultural influences, theory, and practice*. John Wiley & Sons.

- EUAA. (2023). *COI Report – Iran: Situation of Afghan refugees (Country of Origin Information Report)*. Publications Office of the European Union.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18(1), 39-50.
- Gregory, R. J. (2014). *Psychological testing: History, principles, and applications*. Pearson Education India
- Güler, A (2022) *Acculturation, Discrimination, and Life Satisfaction among Afghan Immigrants in Turkey*. (n.d.). ResearchGate.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2015). A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the academy of marketing science*, 43, 115-135.
- Hofstede, G. (2010). *Cultures and organizations: Software of the mind: intercultural cooperation and its importance for survival*.
- Hu, L.-t., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6(1), 1–55. <https://doi.org/10.1080/10705519909540118>
- Jang, Y. (2005). *Analysis of Korean language proficiency level and acculturative stress of Chinese students in South Korea* (Master's thesis, Mokpo University Graduate School, Mokpo City, Korea).
- Jung, B. E. (2022). Effects of Acculturation Types on Acculturative Stress and Adjustment to South Korean Society: Focusing on Chinese Immigrants. *Sustainability*, 14(20), 13370.
- Kim, J. K., & Yang, Y. H. (2011). A study on acculturation stress and stress-coping among North Korean defectors. *Korean Journal of Adult Nursing*, 23(1), 50-59.
- Kline, R. B. (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, 3rd ed. uilford Press. New York. USA.
- Ma, K. (2017). *Acculturation stress and depression among first-year international graduate students from China and India at the University of South Carolina* (Doctoral dissertation, University of South Carolina)
- Malhotra, N. (2010). *Marketing Research: an applied orientation* (6th ed.). Prentice-Hall.
- Milfont, T. L., & Fischer, R. (2010). Testing measurement invariance across groups: Applications in cross-cultural research. *International Journal of psychological research*, 3(1), 111-130.
- Miller, K. E., & Rasmussen, A. (2017). The mental health of civilians displaced by armed conflict: an ecological model of refugee distress. *Epidemiology and psychiatric sciences*, 26(2), 129-138.
- Ren, Q., & Jiang, S. (2021). Acculturation stress, satisfaction, and frustration of basic psychological needs and mental health of Chinese migrant children: Perspective from basic psychological needs theory. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(9), 4751.
- Rosner, R., Hagl, M., Bücheler, L., & Comtesse, H. (2022). Homesickness in asylum seekers: The role of mental health and migration-related factors. *Frontiers in psychiatry*, 13, 1034370.
- Safak, A., Nisanci, Z. N., & Olcum, G. (2024). Acculturation conditions and orientations of Afghan and Syrian refugee entrepreneurs in Turkey. *International Journal of Intercultural Relations*, 99, 101940.
- Samari, D., Arancibia, H., Leihy, D. P., & Groot, S. (2023). Experiences of homelessness among afghan refugees in Iran: empowerment through a 4Es model (Education, Employment, Emotional and Economical Support). *International Journal on Homelessness*, 3(2), 31-50.
- Sandhu, D. S., & Asrabadi, B. R. (1994). Development of an acculturative stress scale for international students: Preliminary findings. *Psychological reports*, 75(1), 435-448.
- Schwartz, S. J. (2010). The role of identity in acculturation. In *The Oxford Handbook of Acculturation*. Oxford University Press.
- Seddighi, H., Naseh, M., Rafieifar, M., & Ilea, P. (2024). Education of Afghan refugee children in Iran: A structured review of policies.
- Solberg, M. A., Gridley, M. K., & Peters, R. M. (2022). The factor structure of the brief cope: A systematic review. *Western Journal of Nursing Research*, 44(6), 612-627.
- Soltan, H., Giguere, B., & Safdar, S. (2023). Acculturation gaps among Afghan refugee families in Canada: Implications for family relationships, adaptation outcomes, and subjective wellbeing of emerging adults. *International Journal of Intercultural Relations*, 97, 101877.
- Triwidyati, H., & Tentama, F. (2020). Validity and reliability construct of subjective well-being scale. *International Journal of Sciences: Basic and Applied Research*, 51(2), 191-200.
- UNHCR. (2024). *Iran Annual Refugee Report 2024*. UNHCR Iran.
- Uribe Guajardo, M. G., Slewa-Younan, S., Smith, M., Eagar, S., & Stone, G. (2016). Psychological distress is influenced by length of stay in resettled Iraqi refugees in Australia. *International journal of mental health systems*, 10(1), 4.

- Urzúa, A., Henríquez, D., Caqueo-Úrizar, A., & Smith-Castro, V. (2021). Validation of the brief scale for the evaluation of acculturation stress in migrant population (EBEA). *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 34.
- Wei, M., Heppner, P. P., Mallen, M. J., Ku, T., Liao, K. Y., & Wu, T. (2007). Acculturative stress, perfectionism, years in the United States, and depression among Chinese international students. *Journal of Counseling Psychology*, 54(4), 385–394
- Williams, C.L. & Berry, J.W. (1991). Primary prevention of acculturative stress among refugees: Application of psychological theory and practice. *The American Psychologist*, 46(6), 632–641. DOI:10.1037/0003-066X.46.6.632
- Zeng, L., Proctor, R. W., & Salvendy, G. (2011). Can traditional divergent thinking tests be trusted in measuring and predicting real-world creativity?. *Creativity research journal*, 23(1), 24-37.